

## اقلیم عشق

📖 چشم دل باز کن که جان بینی      آن چه نادیدنی است آن بینی

امور نادیدنی (حقایق عالم روحانی و اسرار الهی) را با چشم دل می‌توان  
دید نه با چشم سر.

یادآوری: در نی‌نامه این مطلب را داشتیم.

دیدار خدا بُود میسر      با دیده‌ی دل نه دیده‌ی سر

سر ز ملک جهان گران بینی

بی سرو پای گدای آن جا را

گدای راه عشق به چنان مرتبه‌ای می‌رسد که نسبت به پادشاهی جهان بی‌اعتنا می‌گردد.

عطار می‌فرماید:

گرم‌رو، سوزنده و سرکش بود

عاشق آن باشد که چون آتش بود

در کشد خوش خوش بر آتش صد جهان

عاقبت اندیش نبود یک زمان

عشق چنان دولت و شکوهی دارد که هر که در وادی آن قدم بگذارد نسبت به

ملک جهان بی‌اعتنا می‌شود.

پای بر فرق فرقدان بینی

هم در آن پابرهنه جمعی را

فرقدان: دو ستاره‌ی راهنما در صورت فلکی دبّ اکبر در نزدیکی قطب شمال

معنی بیت: در وادی عشق فقیران راه عشق را می‌بینی که پا بر فرق فرقدان  
نهاده‌اند (کنایه از عظمت و شکوه).

به امیدش اندر گدایی صبور

گدایانی از پادشاهی نفور

نفور: دور شدن، رمیدن

پا بر سر کونین نهد از سر همت آن کسی که چو من پیشه کند بی سروپایی

**کونین: دو جهان**

چه دیده‌اند گدایان عشق از در دوست

که هر دو عالیشان در نظر نمی‌آید؟

غرّه‌ی شاهی مشو درویش این درگاه باش

در حقیقت هر که درویش است شاهی می‌کند

**غرّه: فریفته، مغرور**

آن که در کوی تو گدای تو است  
به جان او که از ملک جهان به  
کی طمع در گردش گردون دورپرور کنم  
فراغت باشد از شاه و وزیرم

### فراغت: آسودگی

به خدا که این گدایی ندهم به پادشاهی  
گوشه‌ی تاج سلطنت می‌شکند گدای تو

ملک عالم به هیچ نشمارد  
به داغ بندگی مردن بدین در  
من که دارم در گدایی گنج سلطانی به دست  
خوشا آن دم که استغنا مستی

### استغنا: بی‌نیازی

همه شب بر آستان شده کار من گدایی  
دولت فقر بین که چون از سر فقر و افتخار

عشق را کیمیای جان بینی

📖 جان‌گذاری اگر به آتش عشق

چند بیت در این مورد در درس ۹ پیش‌دانشگاهی ذکر شده است.

متعالی شدن به واسطه‌ی عشق است.

از آن زمان که بر این آستان نهادم رو

فراز مسند خورشید تکیه‌گاه من است

هر دلی کاو به عشق بینا شد

منزلش زیر بود بالا شد